

# تداخل آوایی در جمله‌های دوزبانه‌های فارسی – تالشی و تالشی – فارسی

کیومرث خان‌بابازاده\*، محرم رضایتی\*\*

(تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۵، تاریخ تأیید: ۹۷/۰۸/۱۲)

## چکیده

زبان تالشی بسیاری از ویژگی‌های دوره باستان زبان‌های ایرانی را در خود نگه داشته‌است و از نظر آوایی با زبان فارسی معیار، تفاوت‌هایی دارد به طوری که در فارسی واکه‌های /ə/ و /ā/ وجود ندارند. این تفاوت‌های آوایی باعث تداخل آوایی زبان مادری در جمله‌های تولیدی دو زبانه‌های تالشی – فارسی و یا حذف و تلفظ نادرست چند آوای متفاوت با زبان فارسی، در جمله‌های تولیدی در دو زبانه‌های فارسی – تالشی می‌شود. دو زبانه‌گی حالتی است که در آن گویشور یک زبان بتواند با زبانی دیگر که با زبان اول او متفاوت است صحبت کند. در چنین حالتی فرد دو زبانه ناخودآگاه ویژگی‌هایی را معمولاً از زبان اول به زبان دوم تعمیم می‌دهد که تداخل زبانی نامیده می‌شود. تداخل دو زبان در یکدیگر به دلیل ضعف گویشور در یکی از زبان‌ها پیش می‌آید و گویشور سعی می‌کند برای برقراری ارتباط به زبان دوم، ویژگی‌های زبانی زبان اول و یا زبان چیره خود را در زبان دوم به کار ببرد. بنابراین در این پژوهش، با توجه به داده‌های میدانی که با پرسش‌نامه از این گونه دو زبانه‌ها گردآوری شده تداخل آوایی زبان اول دوزبانه‌ها در زبان دوم آن‌ها بررسی گردید. نتیجه این‌که بیشتر تداخل‌ها از زبان اول به زبان دوم و به علت تفاوت آوایی صورت گرفته است. البته گاهی تشابه واکه‌ها و همچنین عادت‌های زبانی موجب تداخل زبانی شده‌اند.

واژگان کلیدی: آواشناسی، زبان تالشی، زبان فارسی، دوزبانه‌گی، تداخل آوایی

---

\* دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

kkaumarth@yahoo.com

\*\* استاد دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

kishekhale@yahoo.com

نامه انسان‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۱-۷۴

## ۱- مقدمه

بررسی برخوردهای زبانی در جوامعی که دوزبانه و یا چند زبانه محسوب می‌شوند و در زمینه‌های آموزشی و علمی یکی از زبان‌ها را برای تمامی گروه‌های زبانی به کار می‌برند، امری ضروری است. با توجه به این که در ایران گروه‌های متفاوت زبانی با زبان رسمی و ملی فارسی آموزش می‌بینند؛ این‌گونه بررسی‌ها و مشخص کردن تداخل‌ها و شیوه‌های برخورد زبان‌ها با یکدیگر، بسیاری از مشکلات زبان‌آموزان دو زبانه را در آموزش برای مراکز تصمیم‌گیری آشکار می‌کند و باعث حرکت در جهت رسیدن به راه‌حل‌های علمی برای رفع این مشکلات می‌شود. پژوهش حاضر به بررسی عوامل و دلایل مؤثر بر نوع تلفظ پاره‌ای از کلمه‌ها و جمله‌ها در زبان دوم دوزبانه‌ها در حوزهٔ پژوهش یعنی جامعهٔ تالشی زبان‌های عنبران می‌پردازد؛ بنابراین این پژوهش در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد از طرف دیگر با توجه به این‌که در فرایند پژوهش داده‌های پژوهش از مردم خاصی اخذ شده و شیوهٔ تلفظ مردم و دلایل تداخل زبانی آن‌ها در زبان دوم مورد بررسی قرار گرفته‌است؛ باید اذعان نمود که این پژوهش به حوزهٔ مردم‌شناسی زبانی و فرهنگی هم تداخل دارد. با توجه به این‌که آموزش در کشور ایران برای همهٔ اقوام با زبان‌های متفاوت به زبان رسمی و ملی فارسی انجام می‌شود و زبان‌آموزان دوزبانه بسیاری از ویژگی‌های زبان مادری خود را به زبان دوم تعمیم می‌دهند برای رسیدن به هدف مطلوب و فرصت‌های برابر آموزشی لازم و ضروری است انواع برخوردهای زبانی، نتایج حاصل و تاثیر و تاثر متقابل زبان‌ها و گویش‌های مختلف در ایران مورد توجه قرار بگیرد تا برآیند این مطالعات در جهت بهینه‌سازی علمی و آموزشی و برنامه‌ریزی درست آموزش کشور مورد استفاده گیرد. نتایج حاصل از بررسی برخورد و تداخل زبانی بین زبان تالشی و فارسی، برای تهیه و تدوین منابع آموزشی و نیز بازآموزی و دانش‌افزایی آموزگاران مناطق دوزبانهٔ تالشی و دیگر مناطق دوزبانه و بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی در این مناطق بسیار مفید و ضروری است. در ضمن این نتایج به برنامه‌ریزان آموزش کشور برای پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب آموزشی و تدوین منابع مناسب کمک می‌کند و بسیاری از مشکلات برنامه‌های تهیه و تدوین منابع و نیز مشکلات آموزشی را هموار می‌کند. پژوهشگران که خود از گویشوران دوزبانهٔ

تالشی - فارسی و متصدی آموزش زبان فارسی در دانشگاه و مدارس مناطق دوزبانه می‌باشند؛ این موضوع را در جهت رسیدن به اهداف و رسالت آموزشی کشور انتخاب کرده‌اند.

در این پژوهش با توجه به مبانی نظری و با استفاده از داده‌های اخذ شده از دو زبان‌های

تالشی - فارسی و فارسی - تالشی به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱- در سطح آوایی فقط زبان مادری یا زبان اول در زبان دوم تداخل ایجاد می‌کند یا زبان دوم هم

در زبان اول تداخل ایجاد می‌کند؟

۲- تداخل بیشتر به سبب تفاوت‌های آوایی دو زبان بوده و یا در تشابهات هم تداخل رخ داده

است ؟

۳- جنسیت در امر تداخل تاثیر دارد یا نه؟

## ۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

م. رضایتی، تالشی را از گویش‌های ایرانی شمال غربی می‌داند که درحاشیه جنوب غربی دریای خزر در ایران و جمهوری آذربایجان رواج دارد و لهجه‌ها و گونه‌های متعددی دارد.

(۱۳۸۶: ۱۸)

پ. ناتل خانلری، تالشی را یک زبان ایرانی می‌داند که درجلگه لنکران و سرزمین آذربایجان

و در قسمت جنوب غربی دریای خزر و مرز ایران و شوروی به این زبان صحبت می‌کنند

خانلری تالشی را زبانی می‌داند که در سده‌هشتم هجری در سرزمین آذربایجان رایج بوده‌است و

سپس ترکی جای آن را گرفته‌است. (۱۳۶۵: ۲۹۸)

ر.کمالی (۱۳۹۲) در پایان نامه خود به نام «بررسی تحولات واجی گویش تالشی شمالی

گونه عنبرانی»، به توصیف واج‌شناختی تالشی شمالی و بررسی دگرگونی‌های واجی آن از ایرانی

باستان و مقایسه آن با فارسی نو پرداخته است. آواهای زبان تالشی در اندک مواردی با زبان

فارسی تفاوت دارند. در زبان تالشی هم مانند همه زبان‌های دیگر آواهایی که تمایز معنایی

ایجاد می‌کنند به دو دسته واکه و همخوان تقسیم می‌شوند، برای بررسی بیشتر و تحلیل داده‌ها

در جدول شماره ۱ واج‌های زبان تالشی عنبران مشخص می‌شوند:

جدول شمارهٔ ۱: آواهای زبان تالشی عنبران

همخوان	توصیف همخوان	واکه	توصیف واکه
b	دولبی، انفجاری، واکدار	a	پسین باز، گرد
p	دولبی، انفجاری، بی‌واک	æ	پیشین باز گسترده
v	لبی دنداننی، سایشی واکدار	e	پیشین نیمه باز نیمه گسترده
f	لبی دنداننی، سایشی بی‌واک	ə	میانی مرکزی غیر گرد
d	دنداننی، انفجاری واکدار	i	پیشین بسته، گسترده
t	دنداننی، انفجاری بی‌واک	u	پسین، بسته، گرد
z	لثوی، سایشی واکدار	ü	پسین گرد افراشته
s	لثوی، سایشی بی‌واک	o	پسین نیم باز، نیم گرد، کوتاه
ž	لثوی کامی، سایشی واکدار		
š	لثوی کامی، سایشی بی‌واک		
j	لثوی کامی، سایشی واکدار		
č	لثوی کامی، سایشی بی‌واک		
g	نرمکامی، انفجاری واکدار		
k	نرمکامی، انفجاری بی‌واک		
q	ملازی، انفجاری واکدار		
x	ملازی، سایشی بی‌واک		
m	دولبی، خیشومی واکدار		
n	لثوی، خیشومی واکدار		
l	لثوی، کناری واکدار		
r	لثوی، لرزشی واکدار		
y	کامی، غلتان واکدار		
h	چاکنایی، سایشی بی‌واک		

جدول شمارهٔ ۱ نشان می‌دهد که تعداد هشت واکه و بیست و دو همخوان در زبان تالشی گونهٔ عنبرانی وجود دارد بنابراین در زبان تالشی گونهٔ عنبرانی افزون بر شش واکهٔ مشترک با زبان فارسی، دو واکهٔ /ə/ و /ü/ وجود دارد. به نظر می‌رسد که اختلاف تلفظی و انواع تداخل

آوایی دو زبان فارسی و تالشی در یکدیگر بیشتر در ارتباط با این دو واکه باشد که در ادامه بررسی و تحلیل می‌شود.

زبان تالشی از دیدگاه‌های مختلف زبان‌شناختی بررسی و توصیف شده‌است اما در مورد تداخل آوایی زبان فارسی و تالشی در یکدیگر و مسئله برخورد زبانی میان تالشی و فارسی، از جمله دوزبانگی و تداخل زبانی در میان تالشی‌زبان‌ها به‌طور شایسته و جامع مورد بررسی قرار نگرفته‌است. اما چند مورد پژوهش که اندکی به موضوع پژوهش نزدیک می‌باشند در ادامه معرفی می‌شوند.

م. یوسفی نصیرمحل (۱۳۸۴) در «مسائل جامعه‌شناختی گویش تالشی» جامعه قومی تالش را از دریچه زبان بررسی کرده و در فصلی از تحقیق خود اجمالاً به دلایل دوزبانگی تالش‌ها و همزیستی و یا جایگزینی زبان تالشی با زبان‌های ترکی، گیلکی و فارسی پرداخته‌است و براساس داده‌های آماری حوزه‌ها و میزان رواج زبان تالشی و دلایل عقب‌نشینی آن را در مواجهه با زبان‌های دیگر بررسی کرده‌است.

م. رضایتی کیشه خاله و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله نموده‌های اجتماعی و مردم‌شناختی در گویش تالشی به چگونگی دوزبان شدن و انواع تنوع صوتی واژگانی و دستوری و ارتباط زبان با محیط و زبان و کنش‌های متقابل اجتماعی پرداخته‌اند

ف. میرزاپور (۱۳۹۰) در «بررسی پدیده دوزبانگی در جغرافیای قومی تالش» با نظرسنجی از شماری دانش‌آموز دختر و پسر در مقطع دبیرستان کوشیده‌است برپایه آمار و ارقام، حوزه‌های کاربرد زبان تالشی و نگرش‌های زبانی آنها را در قلمرو تالش شمالی، مرکزی و جنوبی تحقیق کند. در پژوهش اخیر سخنی از تأثیر دوزبانگی تالش‌ها در زبان اول و دوم، و تداخل و قرض‌گیری در حوزه‌های مختلف مشاهده نمی‌شود.

ک. خان‌بابازاده (۱۳۹۳) در مقاله «تأثیر ویژگی ارگتیو زبان تالشی بر فراگیری زبان فارسی» به بررسی تأثیر این ویژگی مهم زبان تالشی بر فراگیری زبان فارسی در دانش‌آموزان تالشی زبان پرداخته‌است. همو (۱۳۹۵) در «خطاهای نحوی تالشی‌زبان‌ها در فارسی معیار» به نقش زبان مادری در کنار سایر عوامل درون‌زبانی و خطاهای آموزشی در یادگیری زبان فارسی نوشتاری پرداخته‌است.

این چهار پژوهشی که در مورد زبان تالشی و جامعه‌شناسی و دوزبانگی تالشی نوشته شده‌اند هیچ‌کدام مربوط به تداخل آوایی دو زبان تالشی و فارسی در یکدیگر نیست؛ ثانیاً محور اصلی پژوهش مبتنی بر پایهٔ داده‌های زبان‌شناختی است ثالثاً نتایج این تحقیق، یعنی تأثیر دوزبانگی و تداخل در زبان‌های تالشی و فارسی، دستاورد جدیدی است که تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته‌است. بنابراین این پژوهش در جامعهٔ آماری، روش پژوهش، مبانی نظری و شیوهٔ گردآوری اطلاعات و داده‌ها و همچنین ابعاد و گستردگی و موضوع تحقیق با آن پژوهش‌ها متفاوت است و از این نظر پژوهشی بکر و کاملاً جدید است که نتایج آن در مورد شیوه‌های تعلیم و تربیت و تهیه منابع درسی و بازپروری آموزگاران مناطق دوزبانه به ویژه در مناطق تالشی زبان و تات زبان، بسیار کارساز و نتیجه‌بخش است.

پژوهش حاضر در حوزهٔ زبان‌شناسی اجتماعی و با توجه به مبانی نظری برخورد زبان‌ها و نتایج حاصل از آن یعنی دوزبانگی و تداخل زبانی بررسی می‌شود. بنابراین مبنای نظری پژوهش، تأثیر و تأثر متقابل زبان‌ها و تداخل زبانی در جوامع دوزبانه می‌باشد. بیشتر پژوهشگران تداخل زبانی را ورود ناخواسته عناصر یک زبان در زبانی دیگر می‌دانند که حالتی فردی دارد و با قرض‌گیری زبانی متفاوت است.

یو. واینرایش (۱۹۵۳) تداخل را دگرگونی ساختار زبان به دلیل ورود عناصر و ساختارهای زبان بیگانه می‌داند.

ل. ژ. کالوه با نقل دیدگاه واینرایش تداخل را به سه دسته تداخل واجی، تداخل نحوی و تداخل واژگانی تقسیم کرده است و می‌گوید زمانی که دو زبان تجربه‌های خود را مانند هم بیان نمی‌کنند تداخل زبانی رخ می‌دهد و از نظر منطقی شاید به قرض‌گیری ختم شود و تفاوت آن دو را در فردی بودن تداخل و جمعی بودن قرض‌گیری می‌داند. (۱۳۷۹: ۴۸-۴۵)

ف. گروسجین، تأثیر ناخواستهٔ زبانی، بر زبان دیگر را تداخل می‌نامد که به دلیل ضعف فرد دوزبانه در واژگان زبان بروز می‌کند (1982: 299).

با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران تداخل زبانی به خاطر ضعف گویشور و یا زبان‌آموز در ساختار زبانیِ زبان دوم و یا خارجی، رخ می‌دهد و در ساختارهای آوایی، واژگانی و نحوی،

نمایان می‌شود. در این پژوهش منظور از دوزبانگی، آن است که شخص دوزبانه بتواند هدف و خواسته خود را به دو زبان ادا کند و منظور از تداخل زبانی آن است که پاره‌ای از ویژگی‌های زبان اول به صورت ناخواسته به زبان دوم، سرایت کند.

### ۳- جامعه مورد مطالعه و تعاریف

در این بخش بعد از معرفی جامعه مورد مطالعه، واژه‌های کلیدی پژوهش تعریف می‌شوند تا در بررسی و مراحل پژوهش شناخت مناسبی از پژوهش و جامعه مورد مطالعه وجود داشته باشد. جامعه آماری این پژوهش گروهی از افراد دوزبانه تالشی - فارسی و فارسی - تالشی ساکن روستای عنبران بالا و نیز مهاجران دو زبانه این روستا در بخش شهر قدس و آزاد شهر واقع در غرب تهران می‌باشند.

روستای عنبران بالا از روستاهای تالشی زبان استان اردبیل واقع در نوار مرزی جمهوری آذربایجان می‌باشد که حدود هفت صد نفر جمعیت ساکن دارد. این روستا دارای آب و هوای خشک و معتدل می‌باشد که البته در زمستان بسیار سرد و پر برف است. کار اصلی مردم روستا کشاورزی و دامداری می‌باشد و تعداد اندکی از مردم هم به کارهای خدماتی و اداری مشغول می‌باشند. زنان روستا در کنار کشاورزی و دامداری به بافتن گلیم و جانماز اشتغال دارند. صنایع دستی روستای عنبران از شهرت جهانی برخوردار است و اغلب به کشورهای خارجی صادر می‌شود. در سال‌های اخیر به علت افزایش جمعیت روستا و نیز گسترش بی-کاری تعداد زیادی از مردم این روستا، به شهرستان‌های دیگر بخصوص کرج و تهران مهاجرت کرده‌اند و در شرکت‌های صنعتی و خدماتی مشغول شده‌اند این افراد در خانواده خود به زبان تالشی و در ارتباط با دیگر افراد به زبان فارسی صحبت می‌کنند. در نمونه‌های پژوهش دوزبانه‌های فارسی - تالشی بچه‌های این افراد می‌باشند که نخست فارسی را یاد گرفته‌اند و بعد تالشی را در خانواده فراگرفته‌اند به این دلیل دوزبانه فارسی - تالشی فقط در گروه سنی هشت تا بیست سالگی وجود دارد.

## دوزبانگی

فرانکو فابرو، دو زبانه را فردی می‌داند که بر دو زبان و یا دو گویش و یا یک زبان و یک گویش چیره باشد و آن را بفهمد و صحبت کند و دو کدگذاری زبانی را از هم تشخیص دهد. (۱۳۹۲: ۱۷۳)

ف. فابرو با توجه به دیدگاه زبان‌شناسان، تقسیم دوزبانگی به انواع فشرده، همپایه و متوالی را مفید می‌داند. از دیدگاه او اصطلاح فشرده به یادگیری دو زبان از والدین قبل از شش سالگی اشاره دارد. همچنین از نظر او دوزبانهٔ همپایه زبان دوم را قبل از بلوغ داخل و یا خارج از خانواده یاد می‌گیرد و در دوزبانگی متوالی که در آن فرد اول به زبان مادری فکر می‌کند و سپس آن را به زبان دوم ترجمه می‌کند. البته از نظر او دوزبانگی قابل تقسیم‌بندی با عنوان‌های زودهنگام، دیرهنگام، همتراز و دوزبانهٔ غالب هم می‌باشد. هر یک از این اصطلاحات با توجه به شاخص‌هایی از قبیل میزان تسلط بر زبان، زمان یادگیری، چگونگی یادگیری، محیط یادگیری و غیره تعریف می‌شوند. (۱۳۹۲: ۱۷۹)

ی. مدرسی، دوزبانگی را پدیده‌ایی می‌داند که در آن افراد دوزبانه به دو زبان متفاوت صحبت می‌کنند. در این پدیده عناصری از زبان مبدأ و مقصد هنگام صحبت کردن به یکی از زبان‌ها، به زبان دیگر تعمیم داده می‌شود (۱۳۹۱: ۴۹). وی در یک تقسیم‌بندی عمومی دو زبانی را به دو نوع فردی و اجتماعی و نوع فردی آن را به دوزبانه‌های همتراز، چیره، همپایه، ناهمپایه، دوزبانه‌های طبیعی و دوزبانه‌های آموزشی و نوع اجتماعی را هم به جوامعی که دو و یا چند زبان رایج و جوامعی که دو یا چند زبان رسمی دارند؛ تقسیم می‌کند. (همان: ۷۴-۷۵)

**دوزبانگی تالشی- فارسی:** در این پژوهش دوزبانگی تالشی- فارسی به فرایندی گفته می‌شود که طی آن افراد دوزبانه نخست زبان تالشی را به عنوان زبان مادری و زبان اول فرا گرفته‌اند و سپس زبان فارسی را در مدارس و نیز در برخورد با دیگر جامعه‌های زبان فراگرفته‌اند. بنابراین دو زبانه‌های تالشی - فارسی افرادی هستند که زبان تالشی را از بدو تولد در خانواده فرا گرفته‌اند و سپس زبان فارسی را در مدرسه و یا در برخورد با دیگر جامعه‌های زبانی و یا رسانه‌ها آموخته‌اند.



**دوزبانگی فارسی - تالشی:** به فرایندی گفته می‌شود که طی آن افراد دوزبانه، زبان فارسی را در خانواده و نیز در برخورد با افراد هم سن و سال و در مدارس فراگرفته و زبان تالشی را هم هنگام صحبت کردن پدر و مادر با یکدیگر به صورت غیر مستقیم آموخته‌اند. این افراد هر دو زبان را به خوبی صحبت می‌کنند ولی در زبان اول خود تسلط بیشتری دارند.

**تداخل زبانی:** تداخل زبانی در این پژوهش عبارت است از کاربرد ویژگی‌های زبانی یکی از زبان‌ها در زبانی دیگر که دوزبانه‌ها به آن تسلط دارند. طبیعی‌ترین حالتی که معمولاً در برخورد دو زبان به وجود می‌آید، تداخل و قرض‌گیری زبانی است. تداخل زبانی هم مانند قرض‌گیری فرایند انتقال عناصری از یک زبان به زبان دیگر است ولی در اصل تداخل زبانی با قرض‌گیری تفاوت دارد و تداخل فرایندی است غیر ضروری که در ساختار زبان دوم وارد می‌شود و دلیل آن پوشش خلأ ارتباطی نیست. (ی.مدرسی، ۱۳۹۱: ۴۹)

مدرسی، تداخل را کاربرد ناآگاهانه یک زبان در زبان دیگر می‌داند که در فارسی تراحم و توارد هم نامیده می‌شود (همان: ۶۴). وی می‌گوید: «در اغلب موارد، تداخل زبانی، استفاده ناآگاهانه الگوها یا عناصر زبان بومی در زبان دوم است، با این حال به طور کلی می‌توان تداخل را پدیده‌ای دانست که در افراد دو زبانه برحسب میزان تسلط آن‌ها بر هر یک از دو زبان بروز می‌کند هر چند که معمولاً کاربرد عناصر یا الگوهای زبان بومی در زبان دوم را تداخل دانسته‌اند اما در مواردی که تسلط یک فرد به زبان دوم (به دلایل گوناگون) بیش از تسلط او بر زبان اول باشد. می‌توان کاربرد الگوها یا عناصر زبان دوم به هنگام استفاده از زبان اول را نیز نوعی تداخل به حساب آورد. تداخل که به طور معمول به سبب شباهت‌های موجود میان عناصری از دو زبان به وجود می‌آید، بیشتر در ساختمان زبان (در سطوح مختلف واجی، صرفی و نحوی) مطرح می‌گردد اما در مقیاسی محدودتر، در سطح واژگان زبان نیز مشاهده می‌شود.» (همان: ۶۴)

#### ۴- روش پژوهش

این پژوهش از روی داده‌های زبانی افراد دو زبانه و با توجه به مبانی زبان‌شناختی تأثیر و تأثر متقابل زبان‌ها در برخورد با یکدیگر در محیط‌های دو زبانه انجام شده‌است. در این پژوهش، برخورد دو زبان فارسی و تالشی در سطح آوایی زبان با توجه به داده‌هایی که به صورت کمی

با پرسش‌نامه از دو زبان‌های تالشی-فارسی و فارسی-تالشی، گردآوری شده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. جامعه آماری تحقیق از میان جامعهٔ دوزبان‌های تالشی - فارسی عنبرانی به صورت تصادفی انتخاب گردید که بعد از خودداری تعدادی از افراد از ترجمه و بی‌انگیزگی آن‌ها در انجام کار، این افراد از گردونهٔ پژوهش حذف شدند و در نهایت تعداد ۹۰ نفر باقی ماندند از این تعداد ۴۰ نفر در گروه سنی زیر بیست سال قرار داشتند که بر اساس زبان نخست خود به دو گروه دو زبانهٔ فارسی - تالشی و تالشی - فارسی تقسیم شدند. گروه دوم هم تعداد ۳۰ نفر دوزبانهٔ تالشی-فارسی و گروه آخر هم تعداد ۲۰ نفر دوزبانهٔ تالشی - فارسی از تعداد ۹۰ نفر در روند مصاحبه شرکت داشتند. در این پژوهش تعداد صد جمله به زبان فارسی معیار نوشتاری که در بخش گویش شناسی فرهنگستان مورد استفاده قرار می‌گیرد بعد از تغییراتی جزئی و همچنین ترجمهٔ همان جمله‌ها به زبان تالشی، آماده شد و به جامعهٔ آماری دو زبانهٔ فارسی-تالشی و تالشی-فارسی باقی مانده در فرایند تحقیق داده شد تا آن را به هر یک از دو زبان، ترجمه کنند و بعد پاسخ‌های دوزبان‌ها، با استفاده از الفبای «IPA» آوانگاری شد و سپس تداخل‌های رخ داده در هر گروه انتخاب و از آن‌ها استفاده شد. در فرایند گردآوری داده‌ها مشکلاتی از قبیل عدم همکاری مردم به ویژه جنس مؤنث و نیز ترس مصاحبه شونده‌گان از ضبط صدا و نگاه توأم با شک آن‌ها به موضوع به وجود آمد با این همه با توجه به بومی بودن پژوهشگران، اعتماد مصاحبه شونده‌گان جلب شد و روند گردآوری داده‌ها بدون مشکل انجام گردید. لازم به ذکر است دو زبان‌های گروه سنی هشت تا بیست سال در دو گروه تالشی-فارسی و فارسی-تالشی هر کدام به تعداد بیست نفر به طور مساوی از دو جنس تقسیم‌بندی شدند. گروه سنی بیست و یک تا پنجاه سالگی تعداد سی نفر دو زبانهٔ تالشی-فارسی از دو جنس و گروه سنی پنجاه و یک سال به بالا تعداد بیست نفر دو زبانهٔ تالشی-فارسی از دو جنس در یک دستهٔ تالشی-فارسی تقسیم‌بندی شدند. با توجه به ترکیب جمعیتی و تاثیر عوامل دیگر در دو گروه سنی بیست و یک تا پنجاه سالگی و گروه سنی پنجاه و یک سالگی به بالا، دو زبانهٔ فارسی-تالشی وجود ندارد.

## ۵- یافته‌های پژوهش

در این قسمت داده‌های زبانی که از تداخل زبانی متأثر هستند در دو قسمت داده‌های اخذ شده از دو زبان‌های فارسی- تالشی و داده‌های اخذ شده از دو زبان‌های تالشی- فارسی بررسی و تحلیل می‌شود.

### ۵-۱ دو زبان‌های فارسی- تالشی، گروه سنی (۸-۲۰)ساله

تعداد بیست نفر دختر و پسر دوزبانه فارسی- تالشی در این گروه در ترجمه داده‌های خام از دو زبان به زبان‌های دیگر شرکت داشتند که نمونه‌هایی از داده‌های اخذ شده از این گروه، در جمله‌های زیر بررسی می‌شود تا مشخص شود که این گروه تا چه اندازه از نظر آوایی تحت تأثیر زبان اول خود یعنی فارسی قرار گرفته‌اند و چه تداخل‌هایی از زبان فارسی به زبان تالشی صورت گرفته است. بدیهی است که در این بخش از تداخل‌های صرفی و نحوی چشم‌پوشی شده است. میزان سواد دو زبان‌های این گروه از خواندن و نوشتن تا سطح دیپلم می‌باشد. در جدول شماره ۲ نمونه‌ها داده‌های اخذ شده از دوزبانه‌های فارسی- تالشی گروه سنی ۸-۲۰ساله‌ها بررسی می‌گردند.

جدول شماره ۲: نمونه‌ها

اصلی	m čičeð
تداخلی	?em čiče
برگردان	این چیست؟
اصلی	m merd kijə
تداخلی	?em merd kij
برگردان	این مرد کیست؟
اصلی	pəstün təviləndən
تداخلی	təvləndən pəsun
برگردان	گوسفندها در طویله اند
اصلی	qū (r)æ pædo binæ ni
تداخلی	qurə pædo binæ ni
برگردان	غوره پیدا نمی‌شود.
اصلی	šəmə tovəstünəndən mivə vəyi sənə ya zəməstün əndə
تداخلی	mivə veyi sənə ya dar tovestunəndə šəmə zeməstan
برگردان	شما در تابستان میوه زیاد می‌خرید یا در زمستان

در جدول شماره ۲ نمونه‌ها مثال‌هایی از داده‌های تعداد بیست نفر دوزبانۀ فارسی - تالشی بررسی شد با توجه به مثال‌ها تمامی تداخل‌های آوایی در این گروه از زبان اول به زبان دوم صورت گرفته‌است. تمامی دوزبانۀ‌های فارسی - تالشی بدون استثنا تداخل‌های آوایی را در محل کاربرد دو واج /ü/ و /ø/ بروز داده‌اند و این دو زبانۀ‌ها نتوانسته‌اند این دو واج را که در زبان اول آن‌ها وجود ندارد به کار ببرند بلکه به جای این دو واج از دو واج /u/ و /e/ که با دو واج مذکور تشابه نسبی دارند استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر در جایگاه کاربرد آن‌ها از این دو واج بهره برده‌اند. البته در مواردی محدود هم به جای آن‌ها از واکه /o/ استفاده کرده‌اند این نوع کاربرد باعث شده که در جمله‌های تالشی از /em/ به جای /ɛm/، /Ceraq/ به جای /Cəraq/ و /sepi/ به جای /səpi/، /veyi/ به جای /vəyi/، /čü/ به جای /čü/ و... استفاده کنند. در ضمن در پایان واژه‌های تالشی که به /æ/ ختم می‌شوند از /e/ فارسی استفاده کرده‌اند که تداخل‌هایی مانند /mive/ به جای /mivæ/، /qore/ به جای /qoræ/ یا /qiæ/ و دیگر موارد مشابه رخ داده‌است. در یک مورد هم /šomæ/ به جای /šomæ/ رخ داده‌است. بنا براین و با توجه به بررسی داده‌ها تمامی تداخل‌ها از زبان اول به زبان دوم سرایت کرده‌است. در ضمن تمامی تداخل‌ها به دلیل تفاوت آوایی دو زبان فارسی و تالشی بوده است. به ویژه واکه‌های /ü/ و /ø/ که در زبان فارسی وجود ندارند. به عبارت دیگر دو زبانۀ‌های فارسی و تالشی برای برقراری ارتباط به زبان دوم خود به دلیل ناآگاهی و ناتوانی در تلفظ این دو واکه در زبان مقصد، از نزدیک‌ترین مشابه آن در زبان اول خود استفاده کرده‌اند و ویژگی زبان اول خود را به زبان دوم تعمیم داده‌اند تا ارتباط برقرار شود.

### ۵-۲ دو زبانۀ‌های تالشی - فارسی، گروه سنی (۸-۲۰) ساله

در این قسمت داده‌های اخذ شده از دو زبانۀ‌هایی که زبان اول آن‌ها تالشی است بررسی می‌شود در این گروه هم تداخلی آوایی از زبان دوم به زبان اول مشاهده نگردید و همهٔ تداخل‌ها از زبان اول به سمت زبان دوم صورت گرفته‌است لازم به ذکر است که در بخش‌های صرفی و گاهی هم نحوی تداخل از زبان دوم به زبان اول صورت گرفته که در این پژوهش نادیده گرفته شد. دوزبانۀ‌های این گروه هم مانند گروه قبلی از سطح سواد خواندن و نوشتن تا سطح دیپلم

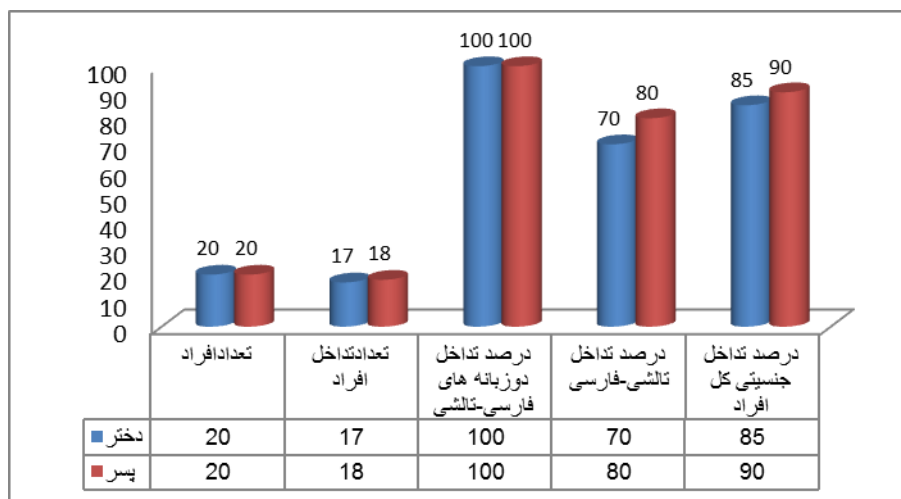
می‌باشد. در جدول شماره ۳ نمونه‌ها داده‌های اخذ شده از دوزبانه‌های تالشی - فارسی گروه سنی ۸ تا ۲۰ ساله بررسی می‌گردد.

جدول شماره ۳: نمونه‌ها

اصلی	čeraq kenare divar ?æst
تداخلی	čəraq kənare divar æst
برگردان	چراغ کنار دیوار است
اصلی	?in sənduqe čubi male ?anhast
تداخلی	in sənduxe čubi male anhasst
برگردان	این صندوق چوبی مال آن‌هاست
اصلی	?æz gærma bi hüš šodæm
تداخلی	æz gærma bi hüš šodæm
برگردان	از گرما بی‌هوش شدم.
اصلی	taze xabide budæm mæra seda kærđi
تداخلی	tazæ xabide budæm mæra sæda kærđi
برگردان	تازه خوابیده بودم مرا صدا کردی
اصلی	jom?e ruze haftome hafte ?æst
تداخلی	jümæ ruze haftome haftæ æst
برگردان	جمعه روز هفتم هفته است
اصلی	?in golabi čeqædr xušmæze?æst
تداخلی	in ambü čeqæd xæšmæz æst
برگردان	این گلابی چه قدر خوشمزه است

در جدول شماره ۳ نمونه‌ها مثال‌هایی از داده‌های تعداد بیست نفر دختر و پسر که زبان اول آن‌ها تالشی است اخذ شده و نمونه‌های تداخل آوایی در گفتار آن‌ها به شکل زیر رخ داده‌است. در این گروه هم جهت تداخل آوایی از زبان اول به سوی زبان دوم است یعنی این دو زبانه‌ها هم ویژگی‌های زبان مادری خود را به زبان دوم یعنی فارسی تسری داده‌اند. برای مثال کاربرد واج /ə/ به جای /e/ و /æ/ در واژه‌های /čəraq/، /čəra/ و /bəradær/ و دیگر واژه‌های مشابه و کاربرد واج /ü/ به جای /u/ یا /o/ در واژه‌های /hüş/، /jümæ/، /čejüri/ و دیگر واژه‌های همانند

که نشانهٔ تداخل آوایی زبان تالشی در تلفظ کلمه‌های فارسی، می‌باشد. همچنین این گروه واژه‌های فارسی را که به «های» غیرملفوظ با صدای /e/ ختم شده‌اند به /æ/ ختم می‌کنند مانند /jümæ/، /qoræ/، /tævilæ/، /xanæ/ و دیگر واژه‌های مشابه فارسی که در تالشی به /æ/ ختم شده‌اند. در برخی کلمات فارسی واژه‌ها را با توجه به تلفظ تالشی می‌آورند هر چند چنین واژه‌هایی در هر دو زبان یکسان می‌باشند برای مثال /kæm/ را به صورت /kam/ و /seda/ را به صورت /sæda/ و /kuček/ را به صورت /kučik/ تلفظ می‌کنند. همچنین در مواردی در بعضی واژه‌های فارسی، ابدال رخ می‌دهد برای مثال واج /q/ در واژهٔ /sænduq/ و /dæmaqæš/ در تالشی به /x/ بدل می‌شود و واژه به صورت /sændux/ و یا /sændox/ و /dæmaxæš/ درمی‌آید. در بعضی واژه‌ها قلب صورت می‌گیرد برای مثال واژهٔ /sobh/ به صورت /səhb/ و یا /sohb/ تلفظ می‌شود به عبارت دیگر گویشوران شکل تلفظ زبان مادری خود را به کلمه‌های زبان دوم تعمیم داده‌اند. گاهی گویشوران در میان دو واژهٔ زبان دوم از واج میانجی زبان اول استفاده می‌کنند مانند واج /y/ در /in xaneyə/ همچنین گویشوران تالشی زبان به سبک زبان تالشی تمایل دارند واج /r/ را از کلمه به ویژه از پایان واژه‌ها حذف کنند. مانند حذف این واج در کلمهٔ /in qad/ و /če qæd/ بنابراین در این گروه هم بیشتر تداخل‌ها از زبان مادری به زبان دوم صورت می‌گیرد. البته در این گروه کلمهٔ /jævan/ فارسی در زبان تالشی هم بیشتر به شکل فارسی تلفظ می‌شود و دیگر از تداخل زبانی به سوی قرض‌گیری حرکت می‌کند و دارد همگانی می‌شود. در نمودار ستونی - مقایسه‌ای شمارهٔ ۱ دو گروه دو زبانه که زبان اول هر یک از آن‌ها متفاوت از دیگری است در تعداد افرادی که تداخل در جمله‌هایشان وجود دارد بررسی می‌شوند.



نمودار ستونی، مقایسه‌ای شماره ۱

در نمودار مقایسه‌ای شماره ۱ دو گروه دوزبانه‌های فارسی-تالشی و تالشی-فارسی، با هم مقایسه شده‌اند. در نمودار مشخص است که تمامی دوزبانه‌های فارسی-تالشی اعم از مذکر و مونث تداخل زبانی داشته‌اند. با توجه به این‌که در زبان اول این گروه یعنی فارسی دو واکه /ə/ و /ii/ وجود ندارد این گروه در تولید واژه‌های زبان تالشی که این دو واکه را در خود دارند دچار مشکل شده و نمی‌توانند این دو واکه را تلفظ کنند در نتیجه به جای آن واکه‌ها، از مشابه فارسی آن استفاده می‌کنند و شاید به همین دلیل ۱۰۰ درصد افراد این گروه دچار تداخل آوایی شده‌اند. از طرف دیگر دو زبانه‌های تالشی-فارسی هم این دو واکه را در جمله‌ها و کلمه‌های تولیدی خود به فارسی وارد کرده‌اند. البته این گروه نسبت به گروه قبلی ۲۵ درصد کمتر تداخل داشته‌اند به عبارت دیگر دو زبانه‌هایی که زبان اول آن‌ها زبان فارسی است نتوانسته‌اند این دو واکه را در زبان دوم تولید کنند بنابراین ویژگی‌های زبان اول را در جایگاه این دو واکه به کار برده‌اند ولی دوزبانه‌هایی که زبان اول آن‌ها تالشی است ۲۵ درصد کمتر از گروه قبلی تداخل داشته‌اند. از نظر جنسیتی هم تفاوت چندان محسوس نیست فقط ۵ درصد پسران بیشتر تداخل داشته‌اند.

### ۳-۶ دو زبانه‌های تالشی - فارسی گروه سنی (۲۱-۵۰)

در این بخش داده‌های اخذ شده از دوزبانه‌هایی که زبان نخست آن‌ها زبان تالشی می‌باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد تمامی دو زبانه‌های این گروه نیز با سواد هستند و از سطح سواد خواندن نوشتن تا دیپلم برخوردارند. در جدول شمارهٔ ۴ نمونه‌ها، داده‌های اخذ شده از دوزبانه‌های تالشی - فارسی گروه سنی ۲۱ تا ۵۰ سالگی بررسی گردیده‌اند.

جدول شمارهٔ ۴: نمونه‌ها

اصلی	?in golabi čeqædr xušmæze ?æst
تداخلي	in golabi <u>čeqæd</u> <u>xušmæzæ</u> æst
برگردان	این گلابی چقدر خوشمزه است.
اصلی	čidænd sibha ra ?æz <u>deraxt</u>
تداخلي	čidænd sibha ra æz <u>deraxt</u>
برگردان	سیب‌ها را از درخت چیدند.
اصلی	tabestan gærmtarin fæsle sal ?æst
تداخلي	tabestün gærmtarin fæsle sal æst
برگردان	تابستان گرم‌ترین فصل سال است
اصلی	?emšæb fæqæt aš bexor
تداخلي	əmšæb fæqæt aš bəxor
برگردان	امشب فقط آش بخور.
اصلی	ki mæra <u>sedä</u> kærđ
تداخلي	ki mæra <u>sæda</u> kærđ
برگردان	کی مرا صدا کرد
اصلی	čubi male ?anhast ?in <u>sænduqe</u>
تداخلي	<u>čübi</u> male anhasť in <u>sænduxe</u>
برگردان	این صندوق چوبی مال آن‌هاست
اصلی	færda <u>sobh</u> mirævæm
تداخلي	færda <u>sobh</u> mirævæm
برگردان	فردا صبح می‌روم



در جدول شماره ۴ نمونه‌ها جمله‌هایی که از دوزبانه‌های تالشی فارسی در گروه سنی بیست تا پنجاه سالگی به دست آمده‌است بررسی شد و تداخل‌هایی مانند موارد مشخص شده در جمله‌های این جدول بدست آمد. در این نمونه‌ها هم تداخل آوایی از زبان اول به زبان دوم رخ داده‌است یعنی دو زبانه‌ها ویژگی‌های آوایی زبان اول خود را در زبان دوم یعنی فارسی، به کار برده‌اند. به عبارت دیگر جمله‌هایی که این دو زبانه‌ها در زبان فارسی تولید کرده‌اند، متأثر از ویژگی‌های آوایی زبان تالشی است. برای مثال در تلفظ واژه‌های زبان فارسی دو آوای /ü/ و /ə/ که مختص زبان تالشی است وارد شده‌است و واژه‌هایی با تلفظ غیر فارسی به وجود آمده‌است:

تلفظ‌های /čəraq/ به جای /čeraq/، /čejūri/ به جای /četuri یا čejuri/، /dəræxt/ به جای /nemišənasi/، /tabestün/ به جای /tabestan یا /tabestun/، /nemišənasi/، /deræxt/، /əmšæb/ به جای /emšæb/? و /bəxur/ به جای /bexur/ و دیگر مثال‌های مشابه در جمله‌هایی به زبان فارسی پدید آمده‌اند. افزون بر این تداخل برخی دیگر ویژگی‌های زبان تالشی در جمله‌های فارسی این دو زبانه‌ها دیده می‌شود. این ویژگی‌ها در واژه‌هایی مانند /sæda/ به جای /seda/، /kam/، /kæm/، /kənar/ به جای /kenar/، /qoræ/ به جای /qore/، /mædræsæ/ به جای /mædræse/ و دیگر موارد مشابه هم دیده می‌شود. همچنین مواردی از قلب، حذف و ابدال که در برخی از واج‌های تالشی رخ می‌دهد به واژه‌های تولید شده به زبان فارسی هم تعمیم یافته‌است که در نمونه‌های زیر دیده می‌شود. حذف واج /r/ از آخر کلمه مانند /čeqæd/ به جای /čeqædr/ ابدال در واژه‌هایی مانند /səndux/ به جای /sənduq/ که در آن واج /q/ /x/ بدل شده و قلب در واژه‌هایی مانند /sohb/ به جای /sobh/ که در تلفظ واژه‌های فارسی از سوی دو زبانه‌های تالشی وارد شده‌است. البته تداخل آوایی در بین داده‌های افراد در هر سطح سواد دیده می‌شود ولی تداخل در میان داده‌های با سطح سواد بالا نسبت به تداخل در داده‌های با سطح سواد پایین‌تر کمتر است. با این همه در تمامی سطوح تداخل وجود دارد. در جدول مقایسه‌ای شماره ۱ تعداد کل و درصد تداخل این گروه به تفکیک جنسیت بررسی می‌گردد.

جدول مقایسه‌ای شماره ۱

فارسی-تالشی	تعداد کل	مرد	زن	درصد کل
تعداد افراد	۳۰	۱۵ نفر	۱۵ نفر	۱۰۰
تعداد تداخل	۲۷	۱۳	۱۴	۹۰

در جدول مقایسه‌ای شماره ۱ تعداد نفرها به تفکیک و در کل مشخص شده است همچنین تداخل در کل و نیز به تفکیک نفر و جنسیت آمده است. برای مثال از ۱۵ نفر زن تعداد ۱۴ نفر به زبان فارسی تداخل زبانی داشته‌اند و همچنین از ۱۵ نفر مرد تعداد ۱۳ نفر در فارسی تداخل زبانی داشته‌اند.

#### ۶-۴ - دو زبانه‌های تالشی - فارسی گروه سنی (۵۰ به بالا)

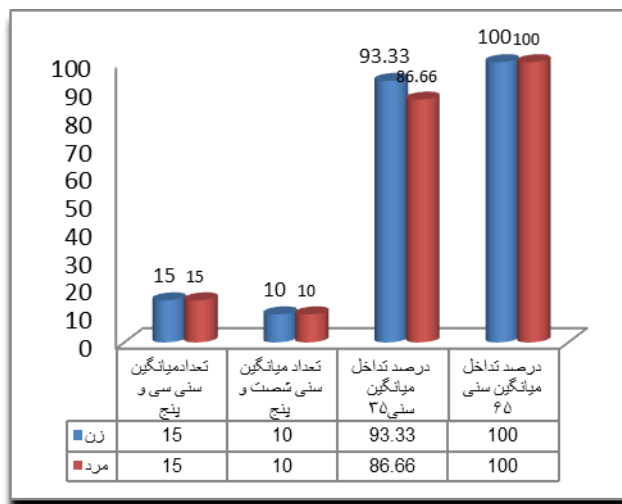
در این گروه داده‌های مورد نظر از افراد بی‌سواد و افرادی با سطح سواد خواندن و نوشتن اخذ شده است و تمامی افراد این گروه که بیست نفر زن و مرد می‌باشند دو زبانه‌های غیر هم سطح هستند و در زبان تالشی تسلط بیشتری دارند و بدون استثنا در جملات و گفته‌های آن‌ها هیچ‌گونه تداخل آوایی از زبان دوم به زبان اول صورت نگرفته است. ولی در اکثر جملات تمامی افراد تداخل آوایی از زبان تالشی به زبان فارسی دیده می‌شود. در جدول شماره ۵ نمونه‌ها برای مثال و توجیه چگونگی تداخل، تعدادی از جملات اخذ شده از این افراد، ذکر می‌شود که دارای تداخل آوایی می‌باشند:

جدول شماره ۵: نمونه‌ها

اصلی	?anan ketab ra bærdæštænd
تداخلی	anan kitab bærdæšti
برگردان	آنان کتاب را برداشتند
اصلی	.čəraq kenære divar ?ast
تداخلی	<u>kænære</u> divar ast <u>čəraq</u>
برگردان	چراغ کنار دیوار است.
اصلی	sib ra ?æz deræxt čid
تداخلی	sib ra æz <u>dæræxt</u> <u>čənid</u>



حذف /r/ از پایان واژه /fekr/ و تلفظ آن به شکل /fik/ و حذف /r/ از میان واژه /gærm/ و تلفظ آن به شکل /gam/، حذف واژه /e/ از پایان /xušmæze/ و تلفظ آن به شکل /xæšmæz/ از جمله تداخل‌های آوایی رخ داده در تلفظ این افراد است. لازم به ذکر است که واج /ʔ/ یعنی [ع]فارسی در زبان تالشی وجود ندارد در این مورد هم دوزبان‌های تالشی این واج را از اول و میان و پایان واژه‌ها حذف و یا تبدیل به واج دیگری کرده‌اند مانند تلفظ کلمه /bæʔd/ به شکل /bæd/ و یا تلفظ /ʔufunæt/ به شکل /əfunæt/ و یا تلفظ /jomʔe/ به شکل /jümæ/ که در این جهت رخ داده-اند. ابدال واج /b/ به /v/ در واژه /tabestan/ و تلفظ آن به شکل /tuvəstün/ همچنین در چند مورد فرایند اضافه رخ داده است: تلفظ /xunə æm/ به صورت /xuneyæm/، /čid/ به صورت /čənid/ از فرایندهای رخ داده در تلفظ کلمات فارسی بین تالشی زبان‌ها بوده است. در نمودار ستونی شماره ۲ تداخل آوایی دو گروه آخر به تفکیک سن و جنسیت و درصد هر یک بررسی شده است.



نمودار ستونی و مقایسه‌ای ۲

در نمودار ستونی ۲ تعداد نفرات دو گروه سنی با میانگین ۳۵ سال و ۶۵ سال در کل و به تفکیک جنسیت هر گروه آمده است. همان گونه که از این نمودار پیداست تعداد افراد با میانگین سنی ۳۵ سال ۱۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد است که از این تعداد ۳۳.۹۳ درصد زنان و ۸۶.

۶۶ درصد مردان در گفتار خود به فارسی از زبان تالشی تداخل آوایی داشتند. در ضمن در میان گروه سنی با میانگین ۶۵ سال صد در صد افراد اعم از زن و مرد در گفتار خود به فارسی از زبان تالشی تداخل آوایی داشتند.

## ۷- نتیجه‌گیری

ل. ژ. کالوه تفاوت آوایی را مسئله ساز می‌داند زیرا گویشوران دیگر زبان‌ها نمی‌توانند تفاوت‌های آوایی زبان دیگر را تشخیص دهند و دچار خطا می‌شوند. (۱۳۷۹: ۴۶-۴۷)  
ر. هارتمن و ف. استورک، تداخل را خطای کاربرد عادت گفتاری زبان بومی در زبان یا گویش دوم می‌داند (1972: 115).

ی. مدرسی تداخل در سطح آوایی را به سبب وجود ویژگی‌های مشترکی می‌داند که باعث اشتباه فرد دوزبانه در یکسان پنداری دو واج می‌شود و فرد ناآگاهانه آن‌ها را به جای یکدیگر به کار می‌برد. (۱۳۹۱: ۶۵-۶۶)

بنابر نظر پژوهشگران داخلی و خارجی ذکر شده در از زبان مادری و یا زبان اول به زبان دوم تعمیم یافته‌است و این شاید به خاطر شکل‌گیری و تثبیت دستگاه گفتاری انسان در دوره بلوغ و عادت‌های زبانی گویشوران است. به عبارت دیگر چون الگوهای آوایی زبان نخست به عادت گویشوران دو زبانه تبدیل شده، فرد دوزبانه، این عادت نهادینه خود را به زبان دوم هم تسری می‌دهد. همچنین به علت تفاوت آوایی که بین تالشی و فارسی وجود دارد و زبان تالشی دو واکه /ü/ و /ø/ را نسبت به زبان فارسی بیشتر دارد لذا اکثر دوزبانه‌های تالشی - فارسی به نوعی این دو واکه را به برخی کلمه‌های فارسی تسری داده‌اند. از طرف دیگر دو زبانه‌های فارسی - تالشی هم در جایگاه این دو واکه در داده‌های تالشی از نزدیک‌ترین واکه‌های فارسی به این دو واکه یعنی واکه /e/ و /u/ استفاده کرده‌اند. بنابراین و با توجه به دیدگاه صاحب نظران، باید در پاسخ پرسش دوم گفت که در این پژوهش تداخل آوایی، بیشتر به سبب تفاوت موجود بین دو زبان رخ داده‌است. با این همه گاهی تداخل آوایی، به دلیل تفاوت موجود بین نظام آوایی دو زبان نبوده‌است بلکه تشابه جایگاه و یا شیوه تولید دو واج در زبان فارسی و تالشی، باعث تبدیل هر یک از آن‌ها به دیگری شده‌است برای مثال /hæq/ فارسی در زبان تالشی به

شکل /hæx/ تلفظ می‌شود یعنی واج ملازی /q/ به واج ملازی /x/ تبدیل شده‌است. تعدادی دیگر از داده‌ها و تداخل‌هایی که در آن‌ها دیده می‌شود؛ نشان می‌دهند که غیر از تفاوت‌ها و تشابهات که باعث ایجاد تداخل آوایی در داده‌های هر یک از داده‌های دو زبان، شده‌اند؛ مسائل دیگری از جمله عادت زبانی و شیوه‌های تلفظ و یا حذف و ابدال در هر یک از زبان‌ها باعث ایجاد تداخل آوایی در زبان دیگر شده‌است برای مثال واژه‌های زبان فارسی که به‌های غیر ملفوظ ختم شده‌اند و با صدای /e/ تلفظ می‌شوند؛ در زبان تالشی با صدای /æ/ تلفظ شده‌اند. همچنین قاعدهٔ حذف واج /r/ از پایان و میان برخی واژه‌های تالشی به برخی واژه‌های فارسی هم تعمیم داده شده‌اند. البته دو زبان‌های فارسی - تالشی هم واژه‌های تالشی را هم که به /æ/ ختم شده‌اند، با /e/ تلفظ می‌کنند. برای مثال /bæ/ را در تالشی به شکل /be/ تلفظ می‌کنند. در نتیجه با توجه به نتایج این پژوهش بیشتر تداخل‌ها در سطح آوایی، از زبان مادری و یا زبان نخست به زبان دوم سرایت کرده‌است و در ضمن بیشتر تداخل‌ها، به دلیل تفاوت آوایی دو زبان بوده‌است. البته تشابهات و یا یکسانی جایگاه تولید واکه هم باعث تداخل زبانی شده‌اند و در نهایت غیر از تفاوت‌ها و تشابهات، عادت‌های زبانی هم باعث تداخل آوایی بوده‌اند.

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی داده‌ها و همانگونه که در نمودار و جدول نمایان است در جواب سوال سوم باید گفت که درست است که از نظر جنسیت بین دو جنس در بعضی گروه‌ها تفاوت اندکی وجود دارد ولی حداقل در این بررسی تفاوت قابل ذکری نیست. از نظر سنی هم گروه تالشی - فارسی در سه گروه سنی هشت تا بیست ساله‌ها، بیست و یک تا پنجاه و پنجاه و یک تا هفتاد و پنج ساله‌ها تقسیم شده‌اند در میان این سه گروه، بدون توجه به جنسیت به ترتیب گروه سنی نخست حدود ۷۵ درصد و گروه دوم ۸۹ درصد و گروه سوم ۱۰۰ درصد، تداخل آوایی داشته‌اند بنابر این در پژوهش حاضر با افزایش سن درصد تداخل آوایی افراد هم افزایش داشته‌است به گونه‌ای که گروه سنی سوم حدود ۲۵ درصد نسبت به گروه اول و حدود ۱۱ درصد نسبت به گروه دوم بیشتر تداخل داشته‌اند. اما دوزبان‌های فارسی - تالشی که زبان اول آن‌ها دو واکهٔ /ə/ و /ü/ را ندارد نسبت به گروه اول و هم سال خود تداخل بیشتری دارند یعنی عدم وجود آن دو واکه این دوزبان‌ها را وادار کرده دچار خطا شده و از

موارد مشابه آن دو واکه در فارسی استفاده کنند. در پایان پیشنهاد می‌شود برای حصول نتیجه‌ای متقن پژوهش‌های مشابهی در دیگر شاخه‌های زبان تالشی و همچنین در شاخه شمالی زبان تالشی، با جوامع آماری متفاوت انجام شود تا از نتایج به دست آمده و مقایسه آن نتایج، اتقان بیشتری نسبت به این گونه تحقیقات ایجاد شود. البته لازم است در دیگر حوزه‌های زبانی از جمله در حوزه نحو، ساخت واژه و معنی شناسی هم این گونه تحقیقات انجام شود تا در تدوین منابع آموزشی و بازپروری آموزگاران و دیگر متصدیان آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه مورد استفاده قرار گیرد.

## منابع

- خان‌بازاده. کیومرث (۱۳۹۳). تاثیر ویژگی ارگنیو تالشی بر فراگیری فارسی، مجموعه مقالات. نهمین همایش زبان‌شناسی ایران. صص ۴۶۹-۴۷۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). خطاهای نحوی تالشی‌زبان‌ها در فارسی معیار. تهران: مؤسسه اندیشمندان کسرا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم؛ فاضلی، فیروز؛ یوسفی نصیرمحل، مریم (۱۳۸۷)، نمودهای اجتماعی و مردم شناختی در گویش تالشی، گویش‌شناسی، شماره ۷، صص ۷۹-۵۵
- فابرو. فرانکو (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر عصب‌شناسی زبان در دوزبانگی. مترجم دکتر اکبر حسابی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- کالوه. ل. ژ (۱۳۷۹). درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- کمالی، رویا (۱۳۹۲)، بررسی تحولات واجی گویش تالشی شمالی گونه عنبرانی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- مدرسی. یحیی (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزاپور، فاطمه (۱۳۹۰)، بررسی پدیده دوزبانگی در جغرافیای قومی تالش، رساله کارشناسی ارشد، رشت: دانشگاه گیلان.

ناتل خانلری. پرویز (۱۳۶۵). **تاریخ زبان فارسی**. تهران: نشر قطره.

یوسفی نصیرمحلّه، مریم (۱۳۸۴)، **مسائل جامعه‌شناختی گویش تالشی**، رساله کارشناسی ارشد، رشت: دانشگاه گیلان.

Grosjean. F. (1982). **Life with Two Languages. An Introduction to Bilingualism**. Cambridge, MA: Harvard University press.

Hartman. R. ; Stork. F. (1972). **Dictionary of Language and Linguistics**. London: Applied Science publishers.

Weinreich. U. (1953). **Languages in Contact**. New York The Hague: Mouton.